



xalvat.com

سرگذشت فلسطین

یا

کارنامه سیاه استعمار

تاریخچه فلسطین

مؤلف:
اکرم زعیر

ترجمه:
علی اکبر هاشمی رفسنجانی



مرکز انتشارات

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه	اسم کتاب
اکرم زعیترا	نویسنده
علی اکبر هاشمی رفسنجانی	مترجم
مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم	ناشر
چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	چاپ و صحافی
موم	نوبت چاپ
ژوستان ۱۳۷۳	تاریخ انتشار
۵۵۵۵ نسخه	تیراژ
۲۰۰۰ ریال	قیمت

xalvat.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



فهرست مطالب

- مقدمه ناشر ۱۲۶۷
- مقدمه مترجم: استعمار ۳۶۶۱۳
- یک سرپوش دیگر، غارت عقل و شعور، نقش تحصیل کرده‌ها در مقابل استعمار، اسلام خصم استعمار عوامل تربیت بزرگسالان، قسمت دیگری از جنایات استعمار، بیداری ملت‌ها، مبارزات ضد استعماری، آخرین حربه استعمار، چه باید کرد؟
- نویسنده کتاب ۳۸۵۳۷ xalvat.com
- جغرافیای فلسطین ۵۳۶۴۹
- حدود فلسطین، مساحت فلسطین، جمعیت فلسطین؛ اوضاع طبیعی فلسطین؛ دریاچه‌های فلسطین؛ هوای فلسطین؛ معادن فلسطین؛ کشاورزی فلسطین، بنادر فلسطین؛ شهرهای فلسطین.
- تاریخچه فلسطین ۹۴۶۵۴
- کتعانیون؛ فلسطینیون، عبرانیون، قضات، مملکت سلیمان، مملکت اسرائیل و یهوذا، قارصیان در فلسطین؛ اسکندر مقدونی در فلسطین؛ مکابیون؛ نبطیون، رومیان در فلسطین، تدمر، بزنطیون در فلسطین، تمدن



یهود، اسلام در فلسطین، جنگهای صلیبی و مغول، دوران عثمانیان، ناپلئون در فلسطین، ابراهیم پاشا در فلسطین، خلاصه .

۱۰۶ تا ۹۵

نهضت عربی و فلسطین

سازمان های عرب؛ وعده های انگلستان، شهیدان نهضت عربی، انقلاب عربی؛ نقشه های استعماری؛ پیشنهادات ویلسون؛ شریف مکه و قرارداد سایکس پیکو.

۱۱۸ تا ۱۰۷

صهیونیسم

متن وعده بالفور، عواملی که باعث این وعده شده، اشکالات وعده بالفور، باز هم به صرب اطمینان می دهند.

۱۲۹ تا ۱۱۹

فلسطین بعد از جنگ جهانی اول

حکومت نظامی؛ کمیسیون صهیونی، کنگره صلح؛ کنگره سوریه؛ کمیسیون کنک- کرین؛ پیمان جامعه ملل و تحت الحمايگی؛ اعلان استقلال؛ شورای «سان ریمو».

xalvat.com

۱۴۹ تا ۱۳۰

کفالت نامه سر پرستی فلسطین

مقدمه کفالت نامه، قسمتی از متن کفالت نامه، اردن، ایرادهای کفالت نامه، ایراد تاریخی؛ متمهای سر پرستی؛ طلیعه مبارزات، اولین شورش، عوامل شورش؛ هربرت سمونیل؛ نحوه حکومت سر پرستی، آغاز یهودی کردن فلسطین؛ امتیاز روتسمیرنگ؛ شورش دوم کمیسیون هایگرافت.

۱۵۸ تا ۱۵۰

آغاز مبارزات منفی سیاسی

کنگره های ملی؛ اولین هیئت اعزامی فلسطین، کتاب سفید سال ۱۹۲۲، شورای قانون گذاری؛ کنگره پنجم؛ کناره گیری از انتخابات، مخالفت با مجلس استشاری؛ رد پیشنهاد آژانس عربی؛ دوران آرامش.

۱۶۳ تا ۱۵۹

اجرای نقشه یهودی کردن فلسطین

اراضی، مهاجرت، کمکهای اقتصادی، امتیاز دریای مرده

۴۶۷

ست مطالب

۱۷۲ تا ۱۹۴

انقلاب سال ۱۹۲۹

براق، شورش سال ۱۹۲۹، کمیسیون شو، قضاوت‌های ضد عربی،
کمیسیون بین‌المللی براق،

۱۸۳ تا ۱۷۳

مذاکرات میان لندن و فلسطین

نمایندگان فلسطین در لندن؛ نظر سمپسون؛ کتاب سفید ۱۹۳۰ رد
کتاب سفید، کتاب میاه،

xalvat.com

۱۹۱ تا ۱۸۴

مبارزه علیه انگلیس

یهود مسلح می‌شوند، مؤتمر اسلامی، واکنش و تقویت یهود؛ مبارزه با
انگلستان؛ تظاهرات خونین

۲۰۸ تا ۱۹۴

انقلاب بزرگ سال ۱۹۳۹

علل اساسی انقلاب؛ حزب تروریست قسام، اولین شراره انقلاب،
کمیته‌های ملی؛ اعتصاب عمومی، کمیته عالی عرب، تخلف از قوانین،
بازرسان دربار، شکنجه؛ میاتجیگری پادشاهان؛ شکستن اعتصاب؛ آمار
رسمی.

۲۲۵ تا ۲۰۹

گزارش بازرسان دربار

تقسیم فلسطین و عکس‌العمل عرب؛ تماس عرب با بازرسان؛ گزارشات
عوامل انقلاب، اراضی، مهاجرت؛ تقسیم؛ حدود سه دولت دوران
انتقال؛ بیانیة دولت انگلیس، ایرادات نظر بازرسان، عکس‌العمل دنیای
عرب؛ موقف یهود؛ کنگره بلودان؛ در سازمان ملل

۲۳۷ تا ۲۲۶

انقلاب علیه تقسیم

کمیسیون تقسیم؛ شکنجه و اعدام، فلسطین در سیطره انقلابیون، ورود
کمیسیون تقسیم؛ اوج انقلاب، جهان عرب، کنفرانس پارلمانی؛ کنگره
زنان عرب؛ اثر انقلاب در یهود.

۴۴۶ تا ۲۳۸

نظر کمیسیون تقسیم

خلاصه نظر کمیسیون؛ یک احتیاط مهم، عقب‌نشینی؛ موفقیت انقلاب.

- شورای لندن
 ۲۹۰۵۲۴۷
 چند حقیقت؛ اساس مذاکرات، کنفرانس لندن؛ کتاب سفید سال ۱۹۳۹؛ خودمختاری؛ مهاجرت، اراضی؛ بررسی کتاب سفید، پایان انقلاب، انقلاب یهود، موقف انگلستان.
- فلسطین در دوران جنگ دوم جهانی
 ۲۷۲۵۲۶۱
 سیاست دولت؛ مهاجرین؛ خونمختاری، وضع عرب، فعالیت‌های یهود، در ایالات متحده، تهیه ارتش و اسلحه؛ انقلاب یهود.
- اتحادیه دولت عرب و فلسطین
 ۲۷۶۵۲۷۳
 تأسیس اتحادیه عرب، پیمان اتحادیه، قطع روابط با یهود.
- کمیسیون انگلیس و آمریکا
 ۲۹۴۵۲۷۷
 ترومن رئیس جمهور آمریکا، خطابه مهم، کمیسیون انگلیس و آمریکا؛ نقض کتاب سفید شورای عالی فلسطین، فعالیت‌های آمریکا؛ مخالفت با کتاب سفید وضع عرب، یهود؛ شروع کار کمیسیون، نظرات کمیسیون؛ نقادی نظرات کمیسیون.
- کنفرانس انشاص
 ۳۰۱۵۲۹۵
 عکس العمل پیشنهاد کمیسیون، کنفرانس انشاص اجتماع بلودان یهود و پیشنهادات کمیسیون.
- مذاکرات عرب و انگلستان
 ۳۰۸۵۳۰۲
 کنگره لندن؛ پیشنهاد مور یسوز؛ پیشنهاد عرب ادامه انحلالگری، سرسختی ترومن، شورای اتحادیه عرب؛ تجدید کار کنفرانس لندن، پیشنهاد بیفن.
- واگذاری قضیه به جامعه ملل
 ۳۱۶۵۳۰۹
 نطق بیفن؛ کمیسیون بین المللی، اعضاء کمیسیون، ادامه انحلال؛ نظر کمیسیون، طرح اکثریت؛ طرح اقلیت.



طهرت مطالب

۴۶۹

۳۲۳ ۵۳۱۷ اتحادیه عرب فضیله را در دست میگیرند
اجتماع صوفی، عکس العمل یهود؛ انگلستان؛ اجتماع هائیه.

۳۳۹ ۵۳۲۱ قرار تقسیم فلسطین
شورای مخصوص فلسطین؛ در مجمع عمومی سازمان ملل متن قرار تقسیم؛
عکس العمل قرار تقسیم؛ اتحادیه عرب، سپاه نجات فلسطین، مبارزات عرب؛
در شورای امنیت؛ عقب نشینی آمریکای چگونه انگلیس فلسطین را تخلیه
کرد؟ کشتار دیر یاسین؛ کشتار ناصرالدین

۳۷۳ ۵۳۴۰ نیروهای عربی وارد فلسطین می شوند
فشار افکار عمومی؛ نیرنگ استعمار؛ میل آوارگان، جلسات سیاسی
اتحادیه عرب؛ مداخله شورای امنیت؛ تعیین واسطه، ورود نیروهای عرب
بخاک فلسطین؛ اعلان دولت اسرائیل؛ سپاه مصر؛ لشکر عراق؛ نیروهای
سوریه و لبنان؛ لشکر اردن؛ موفقیت عرب و فشار سازمان ملل، اجبار
بصلح؛ صلح اول، ثمرات شوم آتش بس؛ پیشنهادات برنادوت؛ مقدمات
صلح.

xalvat.com

۳۸۰ ۵۳۷۱ چهار آتش بس
صلح مصر؛ صلح اردن؛ صلح لبنان و سوریه.

۳۸۶ ۵۳۸۱ کمیسیون توفیق ویمان لوزان
کمیسیون توفیق؛ کنگره لوزان، پیمان لوزان؛ یهود پیمان را شکستند،
آمریکا و انگلیس یهود را تحریم می کنند؛ کمیسیون قنی.

۳۹۰ ۵۳۸۷ بیانیه مالدولت
بیانیه، رد بیانیه

۳۹۶ ۵۳۹۱ پیمان شکنی یهود
حادثه قیبت؛ تجاوزات یهود

۴۱۲ ۵۳۹۷ پناهندگان
آمار، وضع پناهندگان، کمیسیون کلاب؛ پیشنهاد کمیسیون دمیترات



سرگذشت فلسطین

۴۷۰

سازمان ملل، یادداشت دول عرب؛ یهود و آوارگان بیستهاد بلاندهورده؛
وظائف عرب

۴۱۳ تا ۴۱۹

سرگذشت بیت المقدس

بیت المقدس امروزه کبسیون توفیق و بیت المقدس نظریهود، دول
عرب، اودن؛ قرار سازمان ملل، تهرده یهود، نظامنامه

۴۲۰ تا ۴۲۱

منطقه غزه وناحیه غربی اودن

غزه، اتحاد شرق و غرب

۴۲۲ تا ۴۲۵

دفاع مشترک وهمکاری اقتصادی

۴۲۶ تا ۴۳۰

معاصره اقتصادی اسرائیل

۴۳۱ تا ۴۳۳

جنگ با اسرائیل صلح ناپذیر است

قرار اتحادیه عرب

۴۳۴ تا ۴۳۸

علل وعوامل فاجعه فلسطین

۴۳۹ تا ۴۵۵

xalvat.com

خطر صهیونیسم

هدهدهای صهیونیسم، حدود اسرائیل؛ عامل اقتصادی؛ راه تحصیل قدرت؛
معرکه سده طرفه، تولیدات جنگی، سخت گیری؛ مانع ارتباط و اتحاد،
خطر معنوی؛ جاسوسی و خرابکاری؛ خطر بمقدمات مذهبی؛ خلاصه

۴۵۶ تا ۴۶۳

راه خلاص

نیاید مایوس شده؛ ایمان؛ سلاح منفی؛ سلاح مثبت، قدرت اتحاد؛
اصلاحات؛ نظام، تجهیز عمومی.



۲

تاریخچه فلسطین

xalvat.com

الف:
کنعانیون:

حدود دوهزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح (ع) چند قبیلهٔ عربی، به منطقهٔ فعلی فلسطین مهاجرت کرده در اینجا اقامت نمودند و بعداً با اسم «کنعانیون» نامیده شدند، مدتی بعد عده‌ای از این مردم، بسواحل جلوی کوه‌های لبنان رفته و در آنجا اقامت گزیدند و رفته رفته با اسم «فینیقیون» شناخته شدند (بنابراین اصل این دو فرقه یکی است) و کنعانیون از راه کشاورزی و فیشقیون با دریانوردی امرار معاش می‌نمودند.

اینها در فلسطین شهرهایی با حصارهای محکم برای حفظ از خطر غارتگران بنا نموده و پایهٔ تمدنی را در آنجا گذاشتند و برای خویش مذهبی اختیار کردند، تقریباً تمام اساس تمدن و اغلب میانی مذهب «عبرانیون» از اینها اقتباس شده است.

مذهب این طایفه بت پرستی و بت مشهور آنان بعل که بمعنی «سید» یا «رب» است و بعنوان خدای خورشید او را میشناختند، بود،



تاریخچه فلسطین

۵۵

و بت عشتروت را خدای ماه می دانستند و برای هر شهر پادشاهی داشتند.

کنعانیون چندین قبیله بودند، قبیله مهم آنان «یوسیون» اند که در شهر قدس و اطراف آن سکونت داشتند^۱، بمناسبت همین طوائف فلسطین را «ارض کنعان» مینامیدند و بجا هم هست، زیرا از دوهزار و پانصد سال تا هزار سال قبل از میلاد، (قریب یکهزار و پانصد سال) این منطقه را در دست داشته اند، از جمله شهرهایی که در زمان سیادت آنان ساخته شد، شهرهای «اریحا، یسنا، شکیم، نابلس، مجد و جازر» می یاشند.

این شهرها مدتی مدید تحت تصرف سربازان مصری و بابلی و حیثیین و مدنهای میدان جنگ و کشمکش برای جنگهای مصر با عمالقه و جنگهای مصر با حیثیین بودند.

جنگهای بین سوریه و مصر و اختلافات داخلی که بین رؤسای کنعانیون بروز نمود، زمینه را برای انقراض کنعانیون و تسلط عبرانیون فراهم کرد.

xalvat.com

ب:
فلسطینیون:

در سال ۱۱۸۴ ق م جمعی از ایجین کریتی^۲ به جنوب نزه مهاجرت کردند، ساحل مدیترانه را تا آن طرف کوه کرمل تصاحب کرده و کم کم قسمتی از شهرهای کنعانیون را هم از دستشان

۱. بمناسبت همین قبیله یکی از اسامی معروف بیت المقدس یوس است.

۲. کریت یکی از جزائر دریای مدیترانه است و در زمان قدیم دارای تمدنی عظیم بود که در سواحل مدیترانه هم نفوذ کرده بود.



ربودند، ولی از نظر مذهب تحت تأثیر کنعانیون قرار گرفته و بت پرست شدند؛ بت داجون خدای گندم را رئیس بتها میدانستند و شغل معروف آنان تجارت بود و از شهرهای مهم آنان غزه، اسدود و عسقلان را میشود نام برد.

میان اینها و عبرانیون که داخل فلسطین بودند، جنگهای عظیمی روی داد، ولی مآلاً فتح با فلسطینیون بود و در سال یکهزار و پنج قبل از میلاد کاملاً عبرانیون را سرکوب کردند، تا اینکه باز حضرت داود اینها را شکست داد.

ولی پس از آنکه یهودیان اختلاف کردند و بعد از حضرت سلیمان مملکت یهود بدو قسمت تقسیم شد، فلسطینیون با هر دو مملکت یهود می جنگیدند تا آنکه بکلی منقرض شدند، اما اسم آنها تا کنون روی این سرزمین مانده است.

xalvat.com

ج:
عبرانیون:

اصل عبرانیون: تقریباً هزار و هشتصد و پنج سال قبل از میلاد، حضرت ابراهیم خلیل (ع) از شهر اورعراق مرکز کلدانیها به ارض کنعانا (فلسطین) مهاجرت فرمود، در همین جا حضرت اسحاق متولد شد و از اسحاق حضرت یعقوب بدنیا آمد و با اسم «اسرائیل» نامیده شد و یهود را بجهت انتساب به حضرت یعقوب بنی اسرائیل مینامند.

حضرت یوسف (ع) فرزند یعقوب، در اثر حوادثی که پیش آمد در مصر بعنوان غلامی بفروش رفت، و رفته رفته در آنجا به ریاست رسید، بعد از شیوع قحطی شدیدی در فلسطین، حضرت یعقوب و سایر فرزندان او به مصر رفتند و نزد یوسف (ع) ماندند و کم کم جمعیت



خاندان اسرائیل خیلی زیاد شدند.

همیس فانی (فرعون) بنی اسرائیل را تحت فشار و عذاب شدید قرار داد، حضرت موسی (ع) آنها را از چنگال آن شاه ظالم نجات داد و از مصر بطرف ارض کنعان حرکت نمودند. xalvat.com

در حدود یک هزار و دو یست و نود سال قبل از میلاد، حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدند عده ای را به همراهی حضرت «یوشع» به فلسطین فرستادند، تا از وضع آنجا اطلاع کاملی بدست آورند، هیئت اعزامی پس از مراجعت گزارش داد که جمعیت ظالم و سرکشی در آنجا زندگی می کنند، بنی اسرائیل ترسیدند و حاضر نشدند که به فلسطین بروند و فرمان پیغمبر خود حضرت موسی (ع) را اطاعت نکردند.

چهل سال در آن بیابان سرگردان ماندند، در این اثناء شریعت حضرت موسی (ع) در «مدین» (واقع در جنوب جزیره سینا) باو وحی گردید.

در خلال این مدت سرگردانی و دوران نزول شریعت، از طرف بنی اسرائیل صدمات فراوانی به حضرت موسی (ع) وارد آمد.

۱. قرآن کریم در این باره در سوره مائده آیات ۲۰ تا ۲۶ میفرماید: موسی (ع) به بنی اسرائیل فرمود داخل ارض مقدسی که خداوند برای شما مقدر کرده بشوید و مخالفت فرمان خدا نکند که ضرر خواهد نمود. گفتند چون در آنجا مردمی سرکش و ظالم هستند، ما حاضر نیستیم که به آنجا رویم اگر آنها بیرون رفتند ما وارد میشویم دو نفر از مردان خدا گفتند که شما وارد شوید و مسلماً بر آنها غالب میشوید و بخدای خود توکل کنید، باز با نهایت سرسختی جواب دادند که ما هیچوجه داخل آن خاک نخواهیم شد خود موسی با خدایش اول بروند و جهاد کنند و ما همینجا میمانیم و منتظر نتیجه هستیم، حضرت موسی بخدا عرض نمود که من فقط اختیار خود و پرانم را دارم و تقاضا کرد که بین او و این جمعیت عاصی و خودسر جدائی اندازد و خداوند وحی فرستاد که در اثر این نافرمانی زمین کنعان را تا چهل سال بر آنها حرام کردیم و در این چهل سال باید در همین بیابان قید سرگردان باشند و تو هم بر حال این مردم فاسق غصه نخور.



عده‌ای به بت پرستی گرویدند و جمعی برخلاف دستور او اصرار داشتند که بمصر مراجعت کنند.

بعد از وفات حضرت موسی بنی اسرائیل برهبری حضرت «یوشع» از نهر اردن گذشتند و بشهر «اریحا» وارد شدند.

در سفر یوشع بن نون، عهد عتیق (فصل ششم) می نویسد؛ بنی اسرائیل، تمام مردم «اریحا» را از مرد و زن، پیر و طفل، کشتند و حتی همه حیوانات را از دم شمشیر گذراندند، هر چه در شهر یافتند، آتش زدند، فقط طلا و نقره و ظروف مسی و ادوات آهنی را تلف نمی‌کردند و در خزانه «رب» جمع می نمودند.

پس از اریحا بعضی از شهرهای دیگر فلسطین را متصرف شدند.

ولی اهالی بیت المقدس (یبوس) مقاومت کردند و بالاخره تسلیم نشدند، و سواحل فلسطین هم بدست فلسطینیون باقی ماند.

xalvat.com

قضات

بعد از مرگ حضرت یوشع، ریاست بنی اسرائیل بدست «قضات» افتاد. قضات دائماً با کنعانیون در جنگ و خصومت بودند، در اثر تماسهایی که پیش می آمد بنی اسرائیل تحت تأثیر تمدن و مذهب کنعانیون واقع شدند و خدای کنعانیون، بت «بعل» را مورد پرستش قرار دادند.

یکی از مشاهیر قضات «جدعون» است که با «مدینین» عرب که در طرف شرق دریای مرده سکونت داشتند، جنگ وجدال نمود، و دیگر از مشاهیر قضات «شمشون» است که با فلسطینیون وارد جنگ شد، فلسطینیون او را اسیر کردند و آزار و شکنجه فراوان دادند.



خلاصه؛ یهودیان دائماً در جنگ و نفاق بسر می بردند، تا اینکه تسلیم رهبری «شاؤل» (طالوت) شدند.

شاؤل با «عمالقه» و «عمونین» و «موابین» و «ادومین» جنگید ولی فلسطینیون، در مرج ابن عامر لشکر او را متفرق کردند، اولاد او را کشتند، خود او هم جراحات بسیاری برداشت، و برای اینکه در دست دشمن گرفتار نشود، خودکشی نمود.

بعد از شاؤل حضرت داود(ع) حامل درج شاؤل هزارسال قبل از میلاد ریاست بنی اسرائیل را بدست گرفت، و مدت چهل سال سلطنت فرمود.

xalvat.com

حضرت داود برای بنی اسرائیل تأسیس مملکت نمود، تمام اسباط اسرائیل را متحد کرد و مقاومت مردم یبوس (بیت المقدس) را درهم شکست، اورشلم را تصرف کرد و پایتخت مملکت قرار داد، دو سبط «یهودا» و «بنیامین» را در اطراف اورشلم و بقیه اسباط را در اراضی قسمت شمال سکونت داد و فلسطینیون را هم مغلوب نمود. در اورشلم به کمک نجارها و مهندسین فینیقی که سلطان «فینیقی» از صور لبنان برای او فرستاده بود معبد بزرگی بنا نهاد.

از اختلافات بین مصر و عراق و مسئله تقسیم سوریه استفاده کرد و بر وسعت خاک فلسطین افزود و آرامین دمشق را مغلوب نمود، ولی سواحل فلسطین از یافا تا رفح همچنان بدست مصریان باقی ماند.

حضرت داود(ع) شیر از مقام بزرگ نبوت شاعری بزرگ، سیاستمداری شجاع، بسیار خوش آواز و خوش لحن بود، او بنای هیکل

.. قرآن شریف در سوره بقره آیات ۲۴۵ تا ۲۵۱ داستان انتخاب و جنگ طالوت را بعنوان نمونه لجاجت و مصیبتان و... بنی اسرائیل بیان می فرماید.



معروف را شروع کرده بود که احساس نمود اجلش نزدیک شده، به فرزندش حضرت سلیمان وصیت کرد که آنرا تکمیل کند، بعد از مرگ، او را در کوه صهیون دفن کردند.

سلیمان

پس از حضرت داود، حضرت سلیمان سلطان عبرانیون شد (۹۶۰ - ۹۳۵ ق م) سلیمان با کمک عمال حیرام پادشاه صور، ناوگانی ساخت که مرتباً در سواحل سوریه گردش میکردند و محصولات آنجا را به فلسطین حمل مینمودند و در کنار دریای مدیترانه بندری بنا نمود که اجناس بلاد هند و عرب را در آنجا پیاده میکردند.

دز راه ساختن هیکل مورد وصیت حضرت داود(ع)، سلطان صور لبنان با فرستادن استادان و مهندسین و چوبهای «ارز» لبنانی، به حضرت سلیمان کمک نمود، در این هیکل مراسم مذهبی انجام میشد و قربانی ها را هم بهمین جا می آوردند و تقدیم مینمودند.

بعد از مرگ حضرت سلیمان، نمایندگان اسباط در «شکیم» اجتماع کردند و از فرزند سلیمان(ع) رحیم تقاضا نمودند که بعضی از مقررات پدرش را از آنها بردارد، و آزادی بیشتری به آنان بدهد، ولی رحیم بآنها گفت: ای اذبکم بالسیاط وانا اؤدبکم بالعقارب پدرم با تازیانه شما را ادب نمود ولی من با عقرب ادبشان خواهم کرد!

۱. در فصل دهم کتاب اخبارالایام تووات چنین موجود است: پس از تقاضای مردم رحیم سه روز مهلت خواست؛ در این سه روز اول با علما مشورت کرد، آنها نظر دادند که لازم است با مردم مشاهاست و



قیائل اسرائیلی با شنیدن این جواب، علیه او طغیان و انقلابی بر پا نمودند، در نتیجه در طرف شمال فلسطین، ده سبط اجتماع کردند و دولتی بنام «مملکت اسرائیل»، تشکیل دادند، و شهر سامره^۱ را پایتخت آن قرار دادند.

دو سبط دیگر که با دولت مرکزی بودند، دولتی بنام یهوذا مملکت که مرکز آن اورشلیم بود تشکیل دادند و بدینترتیب ۹۳۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) مملکت داود بدو دولت تقسیم گردید، این دو حکومت جنگ و ستیز و خصومت با یکدیگر را شروع کرده، هر یک ممالک بیگانه را به کمک دعوت میکرد و به جنگ علیه دیگری تحریر می نمود، از همان ابتدا مارک انقلاب، آشوب، فتنه، خرابکاری و تجاوز در راه سلطنت، بدوران دو حکومت خورد و بهمین وضع خاتمه یافت.

یکی از مشاهیر سلاطین اسرائیل «عمری» است که شهر سامره را آباد کرد و برای آن برجها و استحکامات قرار داد و آن را پایتخت خویش نمود، و دیگر از مشاهیر این سلسله «آحاب» پسر اوست، که با دختر پادشاه صور لبنان ازدواج کرد، این دختر بت پرست آئین بت پرستی را در داخل بنی اسرائیل ترویج میکرد، این عمل بر مردم گران آمد و منجر بانقلاب گردید.

انقلاب برهبری «یاهو» فرمانده لشکر، صورت گرفت و در نتیجه تاج و تخت را از دست آحاب گرفت و او را با تمام بستگانش

«مدارا کند، سپس با جوانان و مسافران خویش مشورت نموده آنها نظر دادند که خشونت و دیکتاتوری بخرج دهد. او نظر دوم را پذیرفت و پس از سه روز به مردم جواب داد: ای عظم عینکم وانا ازینمی عبودچکم، ای ادبکم بالفصیح وانا اؤدبکم بالسباط پدرم بشما خدمت نموده ولی من شما را به زنجیر بندگی نخواهم کشید، پدرم با چویدستی شما را ادب کرده، ولی من با تازیانه شما را ادب میکنم. ۱. سامره که فعلاً مسوطیه خوانده میشود در ده کیلومتری شهر نابلس واقع است.



اعدام کرد و آن دختریت پرست را از پنجره بیرون انداخت، سگها جثه او را خوردند و مردم را وادار به عبادت خدا «یهوه» نمود.

آشور یها این هردو مملکت را مقهور و وادار به پرداخت جزیه ای سنگین و کمرشکن نمودند پادشاه اسرائیل خواست از پرداختن جزیه شانه خالی کند، سلطان آشور «سرجون ثانی» او را محاصره کرد و مملکت اسرائیل را بیاد فنا داد و قریب سی هزار از جوانان آنها را اسیر کرده و به «میدیا» جلب نمود و بجای آنها قبائلی از بابل، عیلام، سوریه و جزیره العرب وارد مملکت کرد.

تازه واردها با بقایای اسرائیلیها و کنعانیون، مختلط شدند و در نتیجه طایفه جدیدی بوجود آمد، بعضی معتقدند که سامریون امروز از نسل همین عنصر جدید میباشند (ولی سامریون مدعی هستند که از اصل اسباط اصیل هستند، نه از اصل مختلط مذکور) و برفراز کوه جزیریم هیکلی برای رقابت با هیکل سلیمان بنا نمودند، این بود سرانجام مملکت اسرائیل.

ولی مملکت یهوذا بیش از مملکت اسرائیل ادامه یافت، یکی از حوادث مهم مملکت یهوذا اینست که سلطان مصر شیشی لیبی در تاریخ ۹۲۰ قبل از میلاد بآن سرزمین حمله کرد و آن را غارت نمود و مخصوصاً گنجهای هیکل سلیمان و کاخ شاه را بشدت مورد تاراج و غارت قرار داد.

xalvat.com

پس از آنکه در سال ۹۲۱ قبل از میلاد دولت اسرائیل نابود شد، دولت یهوذا هدف حمله و هجوم آشوریها واقع گردید، سلطان یهود حزقیال خواست از فرمان ملک آشوری تمرد کند و زیر بار او نرود، ولی سنحاریب آشوری او را محاصره کرد و در سال ۷۰۱ قبل از میلاد او را مقهور نمود و مجبورش کرد که جزیه سالهای قبل را هم



بپردازد و بدتر از این، حزقیال را ملزم نمود که زنان و دختران خویش را بعنوان هدیه، به نینوا مرکز آشوری‌ها تقدیم کند. در اثر تسلط کلدانیها بر آشوریان در نینوا و ضعف حکومت آشوری، برای مصر فرصتی پیش آمد که حدود مملکت مصر را تا سوریه توسعه دهد و بدین ترتیب دولت «یهودا» تحت سلطه و نفوذ مصر درآمد و تابع آن حکومت شد.

در تاریخ ۵۹۷ قبل از میلاد بخت‌النصر کلدانی به فلسطین حمله کرد شهر قدس را متصرف شد، حاکم مملکت یهوذا با عائله او و هفت هزار نفر از سر بازاننش را اسیر کرد و بابل فرستاد و از طرف خود صدقیا را بحکومت قدس منصوب نمود. صدقیا با اعتماد به کمک قوای مصری از فرمان حکومت بخت‌النصر سرپیچی کرد، بخت‌النصر مجدداً به فلسطین آمد و پس از محاصره قدس در سال ۵۸۶ ق. م دست به تخریب آن شهر زد، شهر قدس، هیکل سلیمان و شهرهای دیگر دولت یهودی را ویران ساخت، بچه‌های «صدقیا» را جلوچشمش سر برید و صدقیا را با پنجاه هزار نفر یهودی اسیر کرد و به بابل فرستاد و از این بعد فلسطین تابع دولت کلدانیها شد و یک ایالت بابلیه بشمار میرفت.

xalvat.com

فارسیان در فلسطین

بعد از آنکه بابل مغلوب فارس گردید، فلسطینی‌ها در مقابل کوروش سلطان فارس، اظهار اطاعت کردند، و حاضر به پرداخت جزیه شدند، «کوروش» به یهودیانی که در زمان بخت‌النصر اجباراً در حال اسارت جلا و وطن کرده و بابل رفته بودند، اجازه داد که



بوطن خود برگردند و هیکل سلیمان را تجدید بنا کنند، عده زیادی در همان بابل ماندند و عده ای هم به فلسطین برگشتند و مشغول تجدید بنای هیکل سلیمان شدند و کار ساختمان جدید در زمان «دار پوش» پایان رسید.

اسکندر مقدونی در فلسطین

پادشاه یونان «اسکندر مقدونی» فارسیان را شکست داد و سوریه را تصرف نمود، در ناحیه غزه با مقاومت شدید عربها مواجه گردید و سرانجام مقاومت آنان را درهم شکست و از آنجا بطرف شهر قدس حرکت کرد؛ رئیس کهنه یهودیان با استقبال او شتافت و با هم وارد شهر قدس شدند و بدین ترتیب تسلیم لشکر اسکندر گردیدند و از آن به بعد فلسطین تابع دولت یونان شد.

مکابون

xalvat.com

بعد از مرگ اسکندر، ملک او بین سران مملکت تقسیم گردید در این تقسیم، فلسطین سهم «انتیوخوس» شد و او هم در جنگ «غزه» از بطلان مصر شکست خورد و در تاریخ ۳۱۲ قبل از میلاد، باز فلسطین جزء مملکت مصر شد.

حاکم سوریه «انتیوخوس سوم سلوقی» در سال ۱۹۸ پیش از میلاد مصریان را شکست داد و فلسطین منضم به دولت یونانی سوریه گردید و یهودیان تحت تأثیر حکومت مرکزی، عادات، زبان، اسامی و لباس یونانیان را پذیرفتند.



انتیوخوس چهارم یهود را تضعیف و پایمال کرد و در هیکل سلیمان مذبحی برای قربانی های بت های یونانیان تشکیل داد. یهود تحت تاثیر احساسات مذهبی برهبری «یهودای مکابی» و برادرانش، انقلابی علیه او برپا کردند «یهودا» قدس را از دست «انتیوخوس» گرفت و هیکل را بصورت معبد قدیم درآورد که طبق شریعت خودشان قربانیان خدا را بآنجا تقدیم نمایند. حاکم سلوکی از ترس اینکه پسر عمو یش در سوریه تاج و تختش را تصاحب کند، با یهود قرارداد صلحی منعقد کرد و بعهده بسوریه برگشت پس از اطمینان از وضع داخل مملکت، لشکری پسر یهودیان فرستاد، یهودا را به قتل رسانید، برادرش «یوحنا» بجای او نشست (۱۶۱ ق م) او را هم کشتند سپس برادر سوم «سمعان» بریاست انتخاب گردید (۱۴۱ ق م) بالاخره شاه سلوکی ناچار شد که بآنها استقلال دهد، بعد از «سمعان» پسرش «یوحنا هرکانوس» جانشین او شد و «ادومین» را بدین یهود درآورد و به سامره حمله کرد و آنرا ویران ساخت و مخصوصاً هیکلی را که برای رقابت با هیکل سلیمان ساخته بودند مبدل به ویرانه ای نمود.

xalvat.com

نبطیون

مکابیون می خواستند توسعه ای در ملک خود داده و اردن را بآن بیفزایند، ولی اعراب نبطی، بچنگ با آنها برخاستند و مانع پیشرفتشان شدند.

رفته رفته نزاع های داخلی در همه جا و همه چیز دولت



۶۶

سرگذشت فلسطین

مکابی ها سرایت کرد، هرکانوس ناچار به «حارث» سلطان نبطیون که مقرر او در شهر بطرا بود پناه برد و برای سرکوب کردن برادرش که در داخل با او مخالفت می کرد از او استمداد نمود، سلطان «بطرا» مدتی اورشلیم را در محاصره گرفت و این وضع تا زمان تسلط رومیها بر فلسطین ادامه داشت.

این حارث نبطی همان کسی است که سلوقیین را شکست داد و حکومت دمشق را در تاریخ ۸۵ سال قبل از میلاد بدست آورد و موقعی که «پومی» رومی به قصد حمله به سوریه از روم حرکت کرده بود، جلو او را گرفت و نگذاشت که به دریای احمر برسد.

پایتخت نبطیون شهر «بترا» که بزبان یونانی بمعنی صخره است، و اعراب آنرا «سبع» مینامیدند و فعلاً در «وادی موسی» واقع است.

نبطی ها باوج تمدن و ترقی رسیدند، و با تصرف نمودن اردن، جنوب فلسطین، جنوب شرقی سوریه، و شمال جزیره العرب مملکتی وسیع و مترقی ایجاد کردند.

xalvat.com

رومیان در فلسطین

پومی سردار رومی پس از آنکه سوریه را گرفت بطرف بیت المقدس آمد (و پس از سه ماه محاصره) آنجا را هم تصرف نمود و یهودیها تسلیم رومیان شده و جزیه پرداختتند.

وقتیکه «یونیوس» قیصر روم برای دیدن سوریه، بطرف آن کشور میآمد «انتیاس ادومی» با سه هزار نفر، برای همکاری و احترام او با او حرکت کرد و تا مصر در رکاب او بود، قیصر برای جبران این



خدمت او را بعنوان یک نفر رومی پذیرفت و تابعیت روم را باو داد و او را نایب شخص خود در میان یهودیان فلسطین قرارداد و در نتیجه در مقابل هرکانوس حاکم واقعی او بود. xalvat.com

وقتی که «مارک انتونی» حکومت قسمت شرق را در دست گرفت، برای مصلحت هیروودنس کبیر پسر انتیپاس ادومی، مکابیان را از حکومت معزول کرد و بسیاری از چیزهایی که مورد رضایت یهود نبود از قبیل نمایش و مسابقه و... مرسوم نمود ولی برای ارضاء کاهنان و ملت یهود، هیکل سلیمان را تجدید بنا کرد و هنوز هم آثاری از بنای او در «حائط هبکی»^۱ یهود باقیست.

اوسامره را برای محل اقامت خود انتخاب کرد و با احترام اگوست قیصر روم، نام آنرا «سبسطیه» نهاد، چون «سباسطوس» در لاتین بمعنی اگوست است و برج «ستراتون» را که در جنوب «کرمل» واقع است از نو بنا نهاد و نام آنرا هم با احترام قیصر روم، قیصر (قیساریه) گذاشت و همینجا بعداً پایتخت فلسطین رومی گردید.

بعد از مرگ مارک انتونی، مملکت یهودیان، یک ولایت رومی شد و فرماندهان رومی بر آن حکومت میکردند و مرکز حکومت آنان هم قیساریه بود.

هیروودنس صدیر پسر مارک انتونی والی «الجلیل» شد، او هم برای تعظیم «طیباریوس» قیصر روم (جانشین اگوست) شهری بنا کرد و اسم آنرا طبرییه گذاشت.

طیباریوس قیصر، پیلاطس نبطی را در تاریخ ۲۴ تا ۲۷

۱. جائیست که یهودیان در آنجا میایستند و مرثی حضرت ابراهیم را میخوانند و بر خرابی بیت المقدس گریه میکنند.



میلادی^۱ حاکم بر یهودیان قرار داد، در دوران حکومت همین شخص حادثه ظهور «حضرت مسیح» (ع) پیش آمد، بزرگان یهود آن حضرت را گرفتند و در مجمع کبیر محاکمه نمودند و همانطور که معروف است آن جناب را محکوم باعدام کردند...
xalvat.com

در زمان «نیرون» قیصر روم، یهودیان انقلاب کردند، عده ای از مدافعان حکومت رومی را که به برجهای قصر بیت المقدس پناهنده شده بودند بقتل رسانیدند، ولی رومیان به سخت ترین صورت از آنها انتقام گرفتند، «تیطوس» امپراتور روم، شهر قدس را محاصره کرد و به کمک عرب ها که سلطان نبطیون برای او فرستاد، فلسطین را در سنه ۷۰ میلادی متصرف شد. هیکل سلیمان را آتش زد، گاهنان را ذبح کرد و یهود را چنان تحت فشار و شکنجه قرار داد که به موجودیت سیاسی آنان خاتمه داد و جمعی که توانستند خود را نجات دهند، در عراق، مصر، سوریه، یمن و اروپا متفرق شدند^۲.

«برکوشبا» یکی از زعمای یهود در مقابل حکومت رومی ادعای استقلال کرد و مدت سه سال (۱۳۲ تا ۱۳۵ میلادی) توانست به تمرد و عصیان خویش علیه حکومت مرکزی ادامه دهد، ولی آدریانوس امپراتور روم، او را در جنگی که در قریه «بیر» هفت میلی

۱. فرهنگ قصص: قرآن و ملحقات المنجد زمان حکومت او را از ۲۶ تا ۳۶ مینویسند.

۲. آقای صدر، همین بلاغی در کتاب فرهنگ قصص قرآن صفحه ۴۹ تحت عنوان بیت المقدس می نویسد: ... شهر در محاصره شدید افتاد که سابعه و نظیر قدامت؟ چند هزار نفر در مدت محاصره از گرسنگی جان دادند و پس از فتح آنها در عمل میدان ده هزار نفر کشته شدند. و بنا بر نوشته یوسیفوس مورخ مشهور که خود در حلقه محاصره بوده؛ خون مانند سیل در کوچه ها روان بونه و عده مذبحین در این حادثه به نسیم میلیون بالغ بوده است... تیطوس پس از ویران کردن شهر جمع کثیری از اهالی را باسارت همراه برد و در بازار برده فروشان روم بفروخت و عده ای از اسرا را طعمه درندگان ساخت.



جنوب غربی شهر قدس واقع شد شکست داد و انقلابش را سرکوب نمود و سپس دست به تخریب قدس و قتل عام مردم زده نیکل در سرزمین سلیمانیه را میدان به کشتاری کرد و هزارها از یهودیان را جمع کرده «برکوشا» را بنقل رسانید و قدس را مستعمره ای برای روم کرد. «اپولیا که نویسند» قرار داد و دیگر اجازه نداد که حتی یک نفر یهودی در آنجا بماند و مقرر داشت که ساکنان قدس فقط باید از یهودیان یونانی رومی باشند.

xalvat.com

تاریخ

در سال دو یست و شصت و هفت میلادی «زبای» یکی از پادشاهان سرباز عسکد رومیان انقلابی ایجاد کرد، هرقلیان حاکم رومی را شکست داد و چندین سال در فلسطین حکومت نمود ولی حکومت آنکه قدر شینی طول نکشید و رومیان او را سرکوب کرده فلسطین را تصرف کردند.

برنطیون در فلسطین

امپراطوری عظیم روم بدو حکومت مستقل تجزیه گردیده یکی حکومت روم غربی که پایتخت آن شهر روم و دیگری دولت روم شرقی که پایتخت آن شهر برنطه بود و فلسطین تابع حکومت برنطه شد.

یکی از حوادث مهم عهد برنطیون اینست که ملکه «هیلا نه» ماسد قسطنطین برای زیارت اماکن مقدسه در سال ۳۲۶ م به



۷۰

سرگذشت فلسطین

فلسطین مسافرت کرد، این زن نصرانیه کنیسه معروف قیامت را در شهر قدس و کنیسه «المهد» را در بیت لحم بنا نمود، و از این تاریخ، فلسطین بدست نصرانی ها افتاد.

در جنگی که میان روم شرقی و فارسیان در گرفت، فلسطین میدان یکی از جنگهای سخت آنان بود، در این جنگ که در سال ۶۱۴ میلادی رخ داد فارسیان فلسطین را از دست رومیان ربودند و یهود عراق و سوریه، فرس را تحریر و تحریر یک کردند که انتقام یهودیان را از نصاری بگیرند و روی همین اصل کنیسه قیامت و یران و گنجهای آن غارت شد، و هزاران نفر از مسیحیان بقتل رسیدند.

xalvat.com

تمدن یهود

یهود قسمت عمده تمدن خود، مخصوصاً الفبا و لغات را از کنعانیون گرفتند، اینها وقتی که وارد فلسطین شدند مردمی وحشی و بدوی بودند، سپس کشاورزی و فن معماری را آموختند و حتی هیکل هم به سبک معبد کنعانیون ساخته شده است و فقط در بعضی از موضوعات فطری و غریزی از قبیل موسیقی و آداب و رسوم، ترقی و تکامل نمودند.

با توجه به مطالب گذشته بدست می آید که یهود فقط در زمان حضرت داود و حضرت سلیمان با استقلال و اتحاد رسیدند و عمر این استقلال هم بسیار کوتاه بود.^۱

۱. فرهنگ قصص قرآن عدد متولین نصاری را نودهزار می نویسد.

۲. با اینکه یهود در آن زمان دارای منصب حق بودند و می توانستند خدا کثر استفاده را از منبع وحی بنمایند ولی در اثر بی لیاقتی و لجابحت و عناد مخصوص بخود بقدری با فرستادگان خدا و پهریان الهی مخالفت و مبارزه و کارشکنی کردند که مستحق عذاب و سخط الهی شدند و خداوند با تقدیر...



و نیز معلوم شد که یهود اهالی اصیل فلسطین نبودند. بلکه در فلسطین مردمی غریب و بیگانه بودند. فلسطین منزلی آماده بود که مدتی در آن رحل اقامت افکندند و چند صباحی در آنجا ماندند بدون اینکه اثر قابل توجهی در آنجا ایجاد کرده و بیادگار گذارند. تکامل و ترقی اجتماعی و انسانیّت یهود هم از جمله ای که در کتب مذهبی خویش به خدای ملی خود (یهوه) نسبت میدهند معلوم میشود در اینجمله به ملت برگزیده! یهود، دستور داده میشود که:

«وقتی بشهری وارد شدید، فراموش نکنید که باید ساکنین آنرا با لبه تیز تیغ بقتل رسانید. آنها را ریشه کن نمائید، خوتشان را بهدر دهید هرچه در آنجا یافتید نابود کنید، حتی حیوانات را هم زنده نگذارید» خواننده محترم این جمله را با جمله ای که بهمین نزدیکی در وصیت امی بکر به لشکر یان اسلام، خواهد مطالعه فرموده مقایسه نماید.

xalvat.com

د:

اسلام در فلسطین

اسلام از جزیره العرب ظهور کرد و پیغمبر (ص) بطرف شمال جزیره شروع به پیشروی نمود، جنگ موقه که در جنوب بحر میت واقع

ذلت و خواری آنان را به وضعی رقت بار و ذلت آمیز مبتلی کرد.

قرآن کریم در این باره، در سوره ۴ آیه ۶۶ می فرماید: **و ضربت علیهم الذلّة والمسکنة و هاء و اهلضب من الله ذلک بانهم کانوا یكفرون بايات الله و یقتلون النبیین بغير الحق، ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون:** در اثر گناهها و جرمها و کفر به آیات الهی و کشتن پیغمبران خدا و ظلم و تجاوز (که رویه همیشگی یهود است) خداوند آنان را به ذلت و فلاکت دائمی مبتلا فرمود. غیر از این آیه در قرآن کریم دهها آیه دیگر در این مضمون یا نزدیکه باین مضمون وجود دارد.

شده اولین برخورد و تصادمی بود که میان مسلمانین و یزنیونیون روی داد.

پیغمبر اکرم (ص) لشکری بریاسته اصحابین زید تجهیز فرمود که بطرف شمال فرستند و این لشکر از حرکت سپاه از دنیا رحلت کرد. ابوبکر این نقشه را تصویب نمود و لشکری بطرف شمال (سوریه، فلسطین و...) حرکت داد. برای این لشکر دستورالعملی صادر کرد که یکی از مقررات آن اینست:

«در پیانت نکشید، در کتوها افراشته نگذارید، از مثله کردن اجتناب کنید، اطفال صغیر را بران و زنان را نکشید، درختان را نه بسوزانید و نه قطع کنید، حیوانات را بدهد جهت و بجز برای خوردن ذبح نکنائید و ضمناً شما به مردمی برخورد نخواهید نمود که در عرصه های خود پیش بخود مشغولند و کاری به کسی ندارند اینها را بجان بترسانان با گذارید و متعرض آنان نشوید».

سماهه در این لشکر کثی پیشرفتهائی نمود و تا نزدیک آوردن مدینه وئی چون در اثر ارفه اد مددای از مسلمانان در داخله مسانکت اسلام امتیلافاتی روی داده ناچار به مدینه برگشت تا به ابی بکر کمک نماید.

در سال ۶۳۳ میلادی ابوبکر چندین سپاه بطرف شمال اعزام نمود یکی به فرماندهی «عمرو بن عاص» دیگری تحت رهبری یزید بن ابوسفیان سوسی به سرکردگی شرحبیل بن حسنه و لشکر چهارم بریاست «ابی عبیده جراح».

۱- خلیف تواریخ شیعه و سنی پیغمبر (ص) این لشکر را از مدینه بیرون فرستاد و خیلی اصرار داشت که زود حرکت کنند وئی عمرو ابوبکر که حضرت آنها را زیر پرچم اسامه قرار داده بود و آنها مایل بودند که موقع وفات پیغمبر (ص) در مدینه باشند مانع از حرکت سپاه شدند.



یزید بن ابی سفیان در سال ۶۳۴ در جنوب بحریت در وادی شربه با سپاه روم برخورد کرده آنان را شکست داد و متفرق نمود؛ فراریان را تا کنار «غزه» تعقیب نمود و سپس با همکاری «عسیر بن عاص»، تمام جنوب فلسطین را از دست رومیان گرفتند.

هرقل امپراتور روم، لشکر گزندی بسز کردگی برادرش تیودورس به طرف فلسطین فرستاد، ابوبکر هم به خالد بن ولید که در عراق میجنگیدند دستور داد خود را به مسلماتانی که در بقیع شام بودند برسانند و در مقابل لشکر روم به مسلمین کمک کند.

این چند لشکر بر ریاست عمرو بن عاص در سال ۶۳۴ در «احسانین» پیشرفتهائی نمودند و شهرهای فوله، بیسان، فوله، تملس، لند و یافا را فتح کردند و سپس همه لشکریان جبهه واحدی تشکیل دادند و با رهبری خاندان ولید لشکر روم را شکست داده و تیودورس را بقتل رسانیدند، این جنگ کار را بر وفق میل مسلمین تمام کرد و سرنویشت منطقه شام را بنفع مسلمانان روشن نمود.

عده ای از سر بازان اسلام برای تصرف سوریه بطرف دمشق حرکت کردند و جمعی هم به تکمیل فتح سوریه پرداختند، مردم شهر بیت المقدس در مقابل مسلمین مقاومت کردند.

عمر بن خطاب برای دلداری سربازان و رسیدگی به وضع کار سرماندهان و افسران سپاه، از مدینه، به شامات آمد و در جبهه منزل کرده بود، اباعبیده را بمقام فرماندهی کل سپاه برگزید.

در این بین هیئت اعزامی مردم شهر بیت المقدس بخدمت او رسیدند و پیشنهاد صلح دادند، ولی مشروط باینکه خلیفه شخصاً مباشر تسلیم قدس باشد.

xalvat.com

عمر شرط آنان را پذیرفت؛ قرار صلح همانجا منعقد گردید

نخالد، عمرو بن عاص، معاویه و عبدالرحمن بن عوف، شاهد صلح بودند.

xalvat.com

عمر در این صلحنامه، به مردم بیت المقدس، در جان و مال و معابد و صلیب‌ها امان و آزادی داد و بنا بقاضای اهالی مقرر داشت که یک نفر یهودی حق نداشته باشد در بیت المقدس بماند و در مقابل، نصرانیهای قدس قبول نمودند که جزیه پردازند.

از طرف وادی «الرملة» هم هیئتی به نزد عمر آمدند پیشنهاد صلح و تسلیم شدن نمودند و نظیر همین صلحنامه با آنها هم منعقد شد. سپس عمر بطرف شهر قدس حرکت نمود، «سفر نبیوس» بطریق از او استقبال کرد و با هم وارد شهر شدند (۶۳۸ م) بعد از زیارت کنیسه قیامت به هیکل سلیمان رفتند دیدند مغرو به های این معبد مقدس، مبدل به مزبله ای شده، عمر و همراهان، با دست های خویش مشغول بیرون ریختن کثافات و برطرف کردن خاک و غبار شدند و عمر دستور داد که مسجدی بروی صخره همان مرکز بنای هیکل بسازند.

مدتی بعد معاویه هم «عسقلان و قیساریه» را فتح کرد و با فتح این دو شهر تمام خاک فلسطین بتصرف مسلمین آمد، قبایل عرب از اطراف بسوی فلسطین سرازیر شدند و در آنجا مسکن گرفتند، مردم غیر عرب هم رفته رفته، در عرب مستهلک شدند و با گذشت مدتی همه مردم فلسطین مسلمان و عرب گردیدند و از آن به بعد، فلسطین یک منطقه عربی محض شد.

در عهد خلفای بنی امیه، فلسطین تابع دمشق شد و یکی از آثار بزرگی که از آن زمان مانده است قبة الصخره است که بدستور عبدالملک مروان در (۶۹۱ م) ساخته شد، پیغمبر (ص) در شب



معراج در ناحیه غربی همین قبه الصخره تشریف آورد و نیز عبدالملک در جوار همین مسجد مسجداقصی را ساخت، مجموع این دو بنا و حیاط وسیعی که احاطه باین دو بنا دارد، حرم شریف را تشکیل می دهد، برای مخارج این بنا خراج هفت سال مملکت مصر را اختصاص داد.

xalvat.com

در زمان خلافت ولید بن عبدالملک، برادرش مروان فرمانده قوای فلسطین شد، او شهر الرمله را بنا کرد و مسجدی بنام الابيض در آنجا ساخت و قصری هم برای خویش در آنجا بنا نمود، وقتی که خنجر مرگ برادر و بشارت خلافت را دریافت نمود در همین قصر بود بزرگان کشور از آنجا او را به بیت المقدس بردند و پیش از آنکه بدمشق برسد با او بیعت کردند.

در زمان بنی العباس فلسطین تابع حکومت عراق شد و جنگ نهائی میان بنی عباس و بنی امیه در فلسطین، نزدیک «رأس العین» و کنار نهر «عوجا» بوقوع پیوست و در این جنگ بیشتر بنی امیه کشته شدند، منصور دوانیقی و مهدی بیت المقدس را ز یارت کردند.

در دوران حکومت «طولویه»^۱ در مصر، احمد بن طولون در تار بیخ ۸۷۷ میلادی فلسطین را گرفت و تابع مصر نمود و در زمان حکومت اخشیدیه^۲ در مصر و سوریه، فلسطین همچنان تابع مصر بود و ولایتی از

۱. طولون از قلامان امرای سامانی است که حاکم سامانی بخارا، او را بعنوان هدیه پیش مأمون عباسی فرستاد و کم پیش مأمون به منصب عالی رسیده پسرش «احمد» در سال ۲۴۰ هجری (۸۵۴ م) حاکم مقامات پدر شد و در سال ۲۵۴ هجری، نایب حکومت مصر گردید، چیزی نگذشت که در مصر اعلان استقلال نمود؛ و در سال ۲۶۴ (۸۷۷ م) شامات را هم تصرف کرد؛ پایتخت سلاطین بنی طولون شهر «القطایع» میان فسطاط و قاهره بود؛ این سلسله دارای پنج سلطان و دوره حکومت آنها از سال ۳۵۴ تا ۴۹۲ هجری ادامه داشت.

۲. اخشید لقب عمومی و عنوان رسمی امرای «فرغانه» است «فتح» پسر یکی از سران لشکری فرغانه بود.



مصر محسوب می شد و در عصر خلافت فاطمیون نیز فلسطین جزو مملکت مصر بود، البته پس از آنکه فاطمیون در اثرمله لشکر کشیدند و شکست دادند و دست آنها را از فلسطین کوتاه نمودند.

«الرامطه» در لشکر کشی که بجانب مصر نمودند شهر ارمطه را تصرف کردند ولی بلا درنگ خلفای اطمی آنها را شکست دادند و ارمطه را پس گرفتند.

پس از آنکه دامت دولت سلجوقیان باسپای صفی (تورکیده) رسید و سوزیه را فتح کردند به فلسطین لشکر کشیدند و فلسطین و ارمطه را تصرف کردند ولی در سال ۱۰۷۱ میلادی در نسلانی با متروک شدند سپاه فاطمیون مواجه شدند و عقب نشینی کردند فاطمیون فلسطین و ارمطه را هم از آنها پس گرفتند و تصرفات و دشمنی بین ارمطه و فاطمیون ادامه داشت ولی قدامت همچنان در دست ارمطه ماند تا آنکه در اثر ضعف آنها صلیبیون اروپا از دستشان بردند.

ه:

xalvat.com

جنگهای صلیبی
 جنگ صلیبی اول:

در نوامبر سال ۱۰۹۵ میلادی پاتیه اروپا در شهر کفرمون تخریب

که در خدمت خلیفه عباسی در بغداد میزیست، که که ترقی کرد و به حکومت دمشق منصوب شد، بعداً مورد بی مهری واقع شد و به حبس رفت و همانجا جان سپرد. پسر او «محمد» برادر پسران این بی مهری در سال ۳۱۸ هجری به حکومت دمشق رسید و در سال ۳۲۱ نامزد حکومت مصر شد و در سال ۳۲۳ مرگ او خود رفت و در سال ۳۲۷ لقب امیدی اختیار کرد و ادعای استقلال نمود، این سلسله هم دارای پنج سلطان بوده و از سال ۳۲۳ تا سال ۳۵۸ هجری سلطنت کردند و بدست فاطمیون منقرض شدند.



آندشینیسی ایراد کرد، در این خطابه نصاری را تحریر یک نمود که قبر مقدس محبوب خود، مسیح (ع) را از دست مسلمانان بگیرند و اعلان کردند که مردم مجرم و گناهکاری که در این جهاد شرکت نمایند گناهانشان بخشیده است.

xalvat.com

پطرس راهب نیز در شهرهای اروپا بگردش پرداخت در اجتماعات مختلف شرکت کرد و با ایراد سخنرانی، مردم را با انقلاب در راه نجات بیت المقدس تحریر و تحریر یک می نمود.

علاوه بر عامل مهم و اساسی عواطف مذهبی، عوامل دیگری هم ایجاب میکرد که مردم اروپا این دعوت را بپذیرند؛ ارتشی ها بامید فتح و کشورگشائی، تجار و کسبه مخصوصاً تجار ثروا، بندقه و یزاً^۲ به آرزوی درآمد سرشار و مجرمین زیادی که راه تکفیر گناه را زیارت بیت المقدس می دانستند؛ برای گرفتن عفو و بخشش.

سرانجام در سال ۱۰۹۷ میلادی قریب یکصد و پنجاه هزار نفر^۳ بنظر فلسطین از اروپا حرکت کردند. این مجاهدین علامت صلیب را روی سینه ها و دوشهای خود نصب کرده بودند.

سپاه صلیبی در بین راه از قسطنطنیه گذشتند و وارد آسیای صغیر (ترکیه) شدند، شهرهای نیقیه و اورفا و طرسوس و انطاکیه (در

۱. مسیحیان تحت تعلیمات هلد انجیل مجزوف خویش، معتقدند که مسیح «ع» کشته شده و در فلسطین مدفون است و قرآن کریم میگوید: وما قلوبنا، بل رفته الله ایه: یعنی قطعاً او را تکفست؛ بلکه خداوند او را به آسمان بلند نمود.

۲. این هرمه شهرهای بندری تجاری مهم ایتالیا هستند.

۳. گوستا رابین در کتاب تمدن اسلام و عرب صده لشکر اوله را یک میلیون و سیصد هزار نفر میگوید و کتاب جنگهای صلیبی نوشته وحیم صغری تعداد قسمتی از ارتش صلیبی را که در خاک اسلام با لشکر قلیچ ارسلان جنگیده شصدهزار نفر میداند با اینکه تصریح ندارد که در بین راه قسمت عده آنها تلف شده بودند و ممکن است نظر مؤلف به اولین قسمت سپاه بوده باشد.



ترکیه) و «معره» (از شهرهای سوریه) را گرفتند، سپس به فلسطین رسیدند، در فلسطین، شهر رمه و یافا را خراب کرده و بیت المقدس را در محاصره گرفتند، ولی از تمام لشکر در این موقع چهل هزار نفر باقی مانده بودند^۱.

xalvat.com

قبای مصری که در اثر کشمکش های زیاد با «سلاجقه» خسته و بی‌حال بودند، بیش از یکماه در بیت المقدس نتوانستند مقاومت نمایند و سرانجام تسلیم عیسویان شدند.

در پانزدهم ژوئیه ۱۰۹۹ میلادی نصاری وارد بیت المقدس شدند این مجاهدان صلیبی دست به آدم کشی زدند و مردم این شهر را قتل عام کردند و حتی از سر پیرمردان و زنان و اطفال نگذشتند، عدّه مقتولین صلیبی ها در شهر قدس از هفتاد هزار نفر تجاوز نمود^۲.

۲. گوستاولیون بقیه سپاه صلیبی را که به بیت المقدس رسیدند بیست هزار نفر می نویسد.
 ۳. ما در اینجا عین عبارت دکتر گوستاولیون فرانسیس را که خود کشیشی نصرانی است از کتاب تمدن اسلام و عرب چاپ چهارم صفحه ۴۰۵ نقل میکنیم خوانندگان محترم یا مطالعه مطالب ذیل آنهم از نوشته یک نفر کشیش نصرانی، سطح فکر و تمدن و اخلاق مردم اروپای سابق و مردمی را که امروز ما را وحشی یا نیمه وحشی میدانند و حتی افرادی که از طرف دولت های اروپا بطور رسمی در ممالک ما مأموریت پیدا میکنند در حقوق آنان حق زندگی در میان ملل نیمه وحشی منظور میشود بدست می آورند و اینک متن عبارت این کشیش مستشرق:
 ... صلیبیان هر قدمی که بطرف مقصد بر میداشتند جنونشان بیشتر میشد و از دعافهای برافروخته آنها یک دشته مکاشفات و گراماتی مشوب بوهم، تراوش میکرد، مختصر شعری هم که داشتند، بالمره از میان رفته بود.

قائد و سرانجام این جمعیت بر ارض ریگ نذر سردار مفلس بنام گوزیه بودند، ابتداء در آن ممالک اروپا که سر ره ایشان بود، وقتی که وارد می شدند اهالی از آنها تا حدی احترام و پلیرانی مینمودند. ولی وقتی که به بندر رسیدند رعایای نیم مسیحی آنجا حاضر نشدند که به پیرویه سورات مجانی بدهند و این ملوک باعث خشم جمعیت شد، این حامیان دین! بدون هیچ تأملی! امر کردند که آنچه لازم دارند از مردم بزرور بگیرند و بالاخره شروع به قتل و غارت دهات و لهیات نمودند. رعایات آنجا که بدینگونه تجاوزات عادت نکرده بودند دمت برای انتقام دراز کردند؛ هزارها نفر از اینها را گشسه و در آب غرق کردند و بقیه غیر از فرار چاره ای ندیدند وقتی که به



در شهر قدس حکومتی لاتینی برپاست «گودوفرو» بوجود آوردند گودوفرو با اینکه بیش از یکسال زنده نماند، ولی در ظرف

xalvat.com

«فلسطینیه» که آن وقت در نهایت درجند خرابی بود رسیدند، مجاهدین «توتون» گامسکن، گالوا و ریالی را در آنجا دیدند که قبلاً وارد شده بودند لشکر صلیب، ملحق باین اقوام نیمه وحشی شده و در تعقیب قتل و غارت زیاد، مرتکب شایعی گردیدند که قلم از ذکر آن شرم دارد.

قریب یکصد هزار از این جمیعت به آسیای صغیر رسیدند و اینها در این حدود نسبت باهالی، اعم از مسلم و عیسوی، الممال و حرکات وحشیانه ای مرتکب شدند که در بیان آن غیر از این چیزی نمی توان گفت که آنها حقیقتاً دیوانه شده بودند.

تکویس دختر امپراطور قسطنطنیه نقل میکند که منجمه از تفریحات آنها این بود: هر طفلی که از جلوشان عبور میکرد او را با حربهای دو نیمه کرده در آتش می سوزانیدند...

لشکر اول صلیبیان که از صدها هزار نفوس تشکیل یافته بود، بکلی نیست و لایب شد ولیکن از عقب نیروی منظمی بجایغ پرفتنصد هزار مردان مسلح میآمد اینها به آسیای صغیر وارد شدند بقیه را محاصره نمودند قشون ترک و شکست داده؛ سرهای تمام مجروحین را بریده، به ترک اسبهای خود بستند با کبر و غروری تمام باروگاه خود برگشتند.

صلیبیان بجای اینکه با رعایا و مسکته محل مدارا کنند، برای جمع آوری شوار بار خست به غارت و تاراج دراز نمودند، چیزی نگذشت که چهار لوط و غلا و تاخوشی شده و هر هم مایوس گردیده، از این میانه گریخت ولی بعد او را دستگیر کردند و بکود او را با چوب به شدت چسبید ساخت و در همین اثناء مشغول تزعاج و جنگ داخلی شدند...

قبایح اعمال مجاهدین صلیب، در تمام این لشکر کشیها، حقیقتاً آنها را در بدیف هنرندترین و بیشترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود، رفتار آنان با هم مهندهای خود با دشمن، وهابانی پیگشاه، نظامیان، زنان، اطفال، پیر و جوانه بکلی یکسان بود یعنی بدون امتیاز، همه را غارت کرده و بقتل میرسانیدند. خود نصاری مورخین آن عصر وقایعی را که ذکر نموده اند دلیل قاطعی بر سفاکت و هزنده گی آنان است. مثلاً بورت راهب، راجع به مظالم صلیبیان در شهر اولادریک واقعه که شخصاً حضور داشته شرحی نوشته که ما آنرا در اینجا نقل میکنیم؛ لوجنین میفریستد:

«لشکر ما: یعنی مجاهدین صلیب، در گذرها، میدانها و پشت بامها، متصل در گشت و حرکت بودند و مثل شیر ماده ای که بچه اش را ریوده باشد از قتل عام لذت میبردند اطفال را بپاره پاره کرده و جوان و پیر را در یک بدیف از دم شمشیر میگنجانیدند و هیچ متفلسی را ابقا نمی نمودند و محض تسریع در عمل؛ چلیدن نخر را با یک ریسمان بدار میآویختند من از مشاهده این اسوال تعجب داشتم مهابهان ما هر چه را می یافتند فوراً می ریودند شکم مرده ها را پاره کرده پاره و جواهراتی که سراغ داشتند بیرون می آوردند در کوچه های شهر نهرهای خون جاری و از چهار طرف لاشه های گشتگان روی هم ریخته بود و از بالای آنها میوز میکردند آه! کویان سنگین دل! آخر روژی همه شما خواهید مرد. بالاخره «بوامون» همه آنها را که در قصر جمع کرده بسوزانند»

همین یک سال لشکر خلفای فاطمی را در شهر عسقلان شکست داد
بیسسان و نایلس را هم تصرف نمود، یک ستون نظامی از صلیبیان

xalvat.com

احضار کرده زن و مرد پیر و بیمار و ناتوان و بیکاره را تماماً از دم شمشیر گذرانیده بقیه را که جوان و
قوی بودند برای فروش بانطالیکه فرستاد.»

... ولتیکه نهماری جلوسیت المقدس رسیدند، از میان سپاهاتی که شماره آنها در مفتح حرکت
بیش از یک میلیون بود، مجموعاً بیست هزار نفر باقی مانده بودند و البته این سپاه عظیم اگر از انسان
تشکیل یافته بود، دنیا را فتح و مسخر میسود و ولی چون وحشی بودند لذا از آن چیزی باقی نماند و
تقریباً همه نیست و نابود گردیدند.

رفسار آنها با اهالی شهر بیت المقدس؛ بکلی مخالف با آن رفتاری بود که عمر خلیفه اسلام؛ در چند
قرن پیش، بانصاری آن شهر نمونه بود و چون انازل قسوس پی میسود: «ا وقتی که جمعیت ماء برج
و باروی شهر را گرفت یک منظره قریب و هولناکی در مسلمانان آشکار گردید، یعنی دیده میشد
که بعضی سر از بدن جدا شده و برخی صورت آنها از زخمهای تیر سوخ شده خود را از بالای دیوار
پائین میانداختند؛ در گذرها و میدانهای بیت المقدس، از سرها و دستها و پاها و بقیه تلهائی
تشکیل یافته و از روی آنها عبور میکردند و این مخصوصی است از فجایع صلیبیان در
بیت المقدس.»

قسوس فوق حکایت میکند: ده هزار نفوس که به مسجد عمر پناه برده بودند؛ تمام آنها را طعمه
شمشیر کردند و در هیكل سلیمان بقدری خون جمع شده بود که لاشه های مقتولین در آن غوطه ور و
متحرک بود...

سجدهین صلیب باین قتل عام ابتدائی اکتفا نکرده، شووائی تشکیل دادند و قرار شد که تمام سکته
بیت المقدس، اصم از یهود و مسلمان و عیسوی و فرقه های دیگر را از دم شمشیر بنگرانند. و بالاخره
یک نفر متفس را باقی نگذاشتند.

صلیبیان محض تفریح و خروج از زحمات چند روزه قتل عام؛ افعال شنیعه ای انجام میدادند که
مثلاً برقرار عزانه دان آنها را دیوانه میخواند و بیحد بطریق ذل، آنها را به حیواناتی تشبیه میکند که در
پول و براز خود غوطه ور باشند.

سال ۱۱۹۹ که برهون قوت کرد بیست سال از حکومت صلیبیان در فلسطین گذشته بود و نتیجه ای
که از حکومت حاصل شده این بود که کشور بکلی بر باد رفته و اثری از عمران و آبادی نبود...
این مستم پیشگان که غیر از آندوختن مال منظوری نداشتند این کشور را که در حکومت عاقلانه
اعراب چقدر معمور و آباد بوده، با قدم مریمی و یران نموده بکلی بر باد دادند.

مجموعه راجع باین صلیبیان چنین می فرماید: «ایشان در حقیقت، بیجه های شیطانند؛ با ناموس طبیعت
مخالفت و دین و آئین را مسخره نموده، هر نوع عمل زشت و معاصی منکر را مرتکب میشوند. شایع
اعمال آنها تا این درجه برخلاف طبیعت انسانی است که اگر مورخی بخواهد تصویر آنرا بکشد از
بیان وی چنین معلوم میشود که مشغول ساختن قصیده هجریه اینست. نه نوشتن تاریخ.»



بخاک اردن حمله بردند و طبریه را متصرف شدند.
 «گودوفرو» بعد از یک سال درگذشت و برادرش «بودون»
 در سال ۱۱۰۰ میلادی بجای او نشست، بودون قبة الصخره را مبدل به
 کنیسه و مسجد اقصی را تبدیل به کاخ فرماندهی نمود و با کمک یک
 دسته از کشتیهای ژنواپیزا: «قیاریه» را هم تصرف کرد و پس از آنکه
 وارد این شهر شد شرائط تسلیم اهالی را شکست همه عهدهای خود را
 زیر پا گذاشت و اهالی آنرا قتل غام نمود، صلیبی ها شهر عکا را هم
 پس از سه سال محاصره گشودند و بعد از مدتی بیروت و صیدا را هم
 فتح کردند.

xalvat.com

بودون از ترس اینکه سوزیه و مصر با هم از طریق اردن
 ارتباط ایجاد کنند وسط راه، در جنوب بحر میت قلعه بزرگی بنام
 «شوبک» و قلعه های دیگری در کرک، طبریه، عتلیت و صفد
 ساخت و کم کم بنیان حکومت صلیبیان را مستحکم کرد و در سال
 ۱۱۱۸ وفات یافت.

گرچه بودون از هر جهت فلسطین را برای ادامه حکومت
 صلیبی مجهز کرده بود، ولی چون فلسطین از هر طرف توسط عربها و
 مسلمانان مصر، حلب، حما، حمص و شام احاطه شده بود و لایزال
 با آنها در جدال و خصومت بودند قهراً وضع ثابتی نمیتوانست داشته
 باشد و شانس ادامه حیات حکومت صلیبی بسیار ضعیف بود.

ملک افضل پسرش را با لشکری به جنگ صلیبیون فرستاد و در
 نزدیکی بازوربا صلیبیان تصادم کردند و آنها را متفرق نمود و طفتکین
 نیز از شام با آنها به جنگ پرداخت تا اینکه طبریه را تصرف کرد و
 جلوشرفت آنان را گرفت.



اتابک زنگی، سلطان حلب و موصل نیز با صلیبی ها مشغول جنگ و جدال شد و در سال ۱۱۴۴ اورفا را از چنگشان بیرون کشید و همین حادثه سبب تحریک نصاری گردید و متجربه جنگ دوم صلیبی (۱۱۴۷ تا ۱۱۴۹) شد.

xalvat.com

جنگ صلیبی دوم:

پسر اتابک زنگی، محمود؛ ملقب به نورالدین؛ وقتی بجای پدرش نشست، با صلیبی ها وارد کارزار شد و چندین شهر فلسطین را از دست آنها گرفت و سپس شهر دمشق را هم که از طرف صلیبیان تهدید میشد متصرف گردید، مملکت مصر نیز در خطر هجوم صلیبیون بود، لذا العاضد بالله خلیفه فاطمی از نورالدین زنگی کمک خواست نورالدین لشکری تحت فرماندهی اسدالدین شیرکوه و بهمراهی پسر برادرش صلاح الدین ابن ایوب بکمک العاضد بالله فرستاد. صلیبیون وقتی که خبر نزدیک شدن لشکر شیرکوه را شنیدند، بطرف فلسطین برگشتند و شیرکوه در مصر بماند.

این مرد در اثر لیاقت و کاردانی بمقام وزارت العاضد رسید و مدتی در مصر بعنوان وزیر انجام وظیفه نمود، و پس از اینکه مرگش رسید، وظیفه خود را به برادرزاده اش صلاح الدین محول کرد.

در سال ۱۱۶۹ میلادی، صلیبیون به شهر دمياط مصر حمله کردند و شهر را در محاصره گرفتند.

صلاح الدین آنها را شکست داد و مشرق ساخت و تا عقبه تعقیبشان نمود و عقبه را فتح کرد.

۱. عقبه فلأ بنبری است در اردن هاشمی که در کنار خلیج عقبه و شمال بحرا حمر واقع شده است.



تاریخچه فلسطین

۸۳

در سال ۱۱۷۱ میلادی العاصد بالله آخرین خلیفه فاطمی مصر، از دنیا رحلت کرد صلاح الدین دستور داد که خطبه نماز جمعه بنام خلیفه عباسی بغداد «المستضی بالله» خوانده شود و با این عمل حکومت مصر تحت لوای عباسیان درآمد و دوران خلافت فاطمیون در مصر پایان یافت.^۱

xalvat.com

نورالدین زنگی هم وفات نمود و پسر یازده ساله اش جانشین او شد صلاح الدین که مصمم بود دست صلیبی ها را از فلسطین کوتاه نماید و معتقد بود که هدف را بدون اتحاد مصر و سوریه نمی تواند تحصیل کند با نزاعهای پی در پی که با طرفداران پسر نورالدین نمود موفق شد که سوریه را هم تصرف کند و پس از تصرف سوریه، از دمشق با لشکری بطرف فلسطین حرکت کرد.

شهر طبریه را پس از محاصره تصرف کرد و از آنجا بطرف حطین رفت در جوار حطین در دو روز سوم و چهارم ژوئیه ۱۱۸۷ جنگ عظیمی بین مسلمانان و صلیبیان در گرفت، مسلمین نصاری را سخت محاصره کردند و رگبار تیریسر آنان فروریختند، فقط عده معدودی از بیست هزار نفر صلیبی که در آن جنگ شرکت داشتند، جان بدر بردند.

گوی سلطان بیت المقدس و رینواذناط امیر کرک و عده زیادی از نصرانانی ها اسیر شدند صلاح الدین از حاکم قدس و گوی خیلی

۱: نورالدین زنگی که سرکوه و صلاح الدین را به مصر فرستاده بود و هنوز هم ریاستش بر آنها محفوظ بود روی حساب جس مذهبی سنی گری و مخالفتی که از این جهت با خلفای شیعی مذهب فاطمی داشت در این عمل تأثیر فراوانی داشت، گرچه خود صلاح الدین هم بی میل نبود ولی زمینه را مساعد نسبی دید و از ملت می ترسید نورالدین اصرار و صجله کرد و او هم سرانجام پذیرفت و این نقشه را اجرا کرد.



احترام کرد و پس از آنکه او به شرافتش قسم خورد که دیگر با صلاح الدین در صدد جنگ بر نیاید، او را آزاد نمود.

ولی رینوارناط، سوابق سوئی داشت، زیرا برخلاف عهدی که بسته بود، بنوافل تجار و حجاج مسلمانان که از نزدیک قلعه او میگذشتند تعدی کرده و غارتشان نموده بود، و علاوه به حجاز حمله کرده بود و بنا داشت که قبر پیغمبر (ص) را نبش کند، و صلاح الدین سابقاً تذر کرده بود که در صورت قدرت، او را بقتل رساند، برای این جهات و بمنظور عمل کردن به نذر خود او را بقتل رسانید.

جنگ حطین که با فتح مسلمانان و شکست نصاری پایان رسید، نتایج بسیار مهمی برای مسلمین ببار آورد بعد از این فتح، قدرت نصاری شکست و صلاح الدین موفق شد که عکاء، ناصره، قیساریه، حیفا و نابلس را فتح نماید، و از طرفی برادر صلاح الدین «عادل» از مصر با لشکری بطرف فلسطین آمد مجدداً و با او از دست صلیبیان گرفت و به لشکر برادر پیوست، این دو لشکر شهر عسقلان را تصرف کردند و سپس شهر بیت المقدس را بمحاصره کشیدند پس از یک هفته محاصره، شهر قدس در ماه اکتبر ۱۱۸۷ تسلیم صلاح الدین شد.

xalvat.com

صلاح الدین که مردی نجیب و باگذشت بود، فقط از کسانی که قدرت پرداخت فدیة داشتند، فدیة گرفت و مردم بی بضاعت را بدون گرفتن چیزی، آزاد کرد و املاک نصاری عرب را بخودشان وا گذاشت و بآنها اجازه داد که با فرنگی ها معامله کنند و بآنها جنس بفروشند یا اسرا مهربانی کرد و صدقات را بین زنهای بیوه و بچه های یتیم تقسیم نمود.



جنگ صلیبی سوم:

از دست رفتن بیت المقدس، اروپا را متقلب کرد و زمینه‌ای برای شروع جنگ صلیبی سوم شد. در این جنگ سه نفر از قوی‌ترین سلاطین اروپا: «ریچارد شیردل» شاه انگلستان «فردریک باربروس» سلطان آلمان و «فیلیپ اگوست» پادشاه فرانسه؛ شرکت کردند.

فردریک، در بین راه نزدیک انطاکیه، برای آب‌تنی در رود سیانوس (قره‌سو) رفت و غرق گردید.

لشکر بان اروپا همگی دور شهر عکا بهم رسیدند و این شهر را بشدت تحت محاصره قرار دادند و ضمناً گوی حاکم سابق بیت المقدس هم، عهدی را که با صلاح الدین بسته بود، شکست و بعنوان رهبر ارتش اروپا وارد جنگ شد.

صلاح الدین ابویی هم در مقابل سپاه صلیبی اردوزد، دو سال عکا در محاصره صلیبیان بود و جنگ بین آنها و صلاح الدین ادامه داشت (۱۱۸۹-۱۱۹۱) در خلال این دو سال کشتی‌های اروپائی از راه دریا مرتباً خوار بار و افراد از اروپا برای صلیبیان می‌رسانیدند و وسیله ارتباط مردم عکا (که در محاصره اروپائیان بودند) با صلاح الدین فقط کبوتران تعلیم یافته و شناگران بودند و صلاح الدین برای حفظ مردم عکا و جلوگیری از حمله اروپائی‌ها به مردم شهر، در این مدت اروپائیان را بجنگ مشغول داشت جالب اینست که در اثر خوشرفتاری صلاح الدین با اقلیتهای مذهبی، جمعی از مسیحیان در یانورد بیروت، لباس فرنگی می‌پوشیدند و برای مردم عکا غذا و وسائل می‌رسانیدند و در حیفا هم عده‌ای از نصاری مامور خوار بار و


xalvat.com

نگهبان اموال صلاح الدین بودند.

در اثناء جنگ صلاح الدین از خلیفه عباسی بغداد و سلطان مراکش کمک خواست ولی کمکی با و نرسید، در صورتی که کمکهای جنگی پشت سر هم از اروپا به صلیبیان میرسد. با اینکه صلاح الدین در خلال ایام جنگ موفقیت‌های شایانی بدست آورد، ولی گرمسنگی و تمام شدن وسائل جنگی از طرفی و طولانی شدن جنگ جانفرسا و محاصره شدید از طرف دیگر، نظامیان مدافع داخل عکا را مجبور کرد که بالا تفاق تسلیم اروپائیان شدند و قرار شد در مقابل مبلغی که می‌پردازند صلیبیون آنها را آزاد کنند، یک ماه گذشت و مردم عکا نتوانستند این مبلغ را بپردازند، لذا ریچارد شیردل دستور داد: دوهزار و هفتصد نفر از آنان را سر بریدند^۱.

با همه اینها جنگ خاتمه نیافت، بلکه در جبهه‌های مختلفی آتش جنگ شعله ور بود، سرانجام پادشاه انگلستان پیشنهاد صلح داد و صلاح الدین هم پذیرفت و در تاریخ ۱۱۹۲ قرار صلح منعقد گردید. قرار شد که بیت المقدس در دست مسلمانان بماند و مسیحیان هم برای انجام عمل حج و مراسم زیارت آزاد باشند ساحل دریای مدیترانه از عکا تا یافا در دست صلیبیون باشد و بقیه ساحل که مرز جنوبی آن، عسقلان بود کماقی السابق در تصرف صلاح الدین بماند.

ریچارد شیردل پادشاه انگلیس، به اروپا برگشت و صلاح الدین به بازرسی قلعه‌ها و سنگرها پرداخت. یکی از ستنی که از صلاح الدین در فلسطین باقی ماند این

۱. گوستاویون عمده مقولین را سه هزار نفر می‌برد.



بود که در شهرهای مختلف فلسطین و در مواقع مختلف، اجتماعات بزرگ ملی تشکیل شود، البته این اجتماعات را در مقابل اجتماع بزرگ نصاری در بیت المقدس که در عید فصح^۱ تشکیل میشد، قرار دارد.

در حقیقت، این اجتماعات، ماقوری بود که مسلمین در مقابل مسیحیان می دادند و لذا در این مواقع هر چه وسائل جنگی و قوای نظامی داشتند نمایش میدادند تا نصاری جلال و جبروت عربهای مسلمان را ببینند و بلاد فلسطین را مرکز قوای نظامی تصور نمایند.

یکی دیگر از کارهای صلاح الدین اینست که بعد از جنگ «حطین» اراضی بی صاحب را به قبائل عرب بخشید و آنان را در این اراضی سکونت داد صلاح الدین از فلسطین به دمشق رفت و در سال ۱۱۹۳ میلادی در سن پنجاه و سه سالگی از دنیا رحلت کرد و با مرگ او عربها یگانه رهبر کم نظیر خویش را از دست دادند.

xalvat.com

جنگ صلیبی چهارم:

بعد از مرگ صلاح الدین بین جانشینان او و ورثه او اختلاف و نزاع در گرفت، اروپائیان از این فرصت استفاده کردند و بعضی از شهرهای فلسطین، از قبیل صفد و طبریه را از دست مسلمانان ربودند.

۱. نصاری یکشنبه اول بعد از پند هر بهار را بعنوان یکی از ایام بزرگ، بنا بر فصح جشن میگیرند و اجتماع بزرگی تشکیل داده و حادثه زنده شدن حضرت عیسی را در روز سوم بعد از مرگش (هفتیه خودشان) که در روز جمعه بوده و قیامت از قبرش را که روز یکشنبه بوده است، ذکر میکنند و ضمناً بهره هم بهین اسم، عهدی دارند که سابقاً توضیح دادیم.



امپراطور آلمان و فردر یک ثانی پادشاه صقلیه، بمنظور گرفتن بیت المقدس بطرف فلسطین حرکت کردند و در وادی غزه با سلطان فلسطین الکامل ایوبی برخورد نمودند.

پس از مذاکراتی، قرار شد که بیت المقدس در تصرف فردر یک شاه صقلیه درآید، بشرط اینکه اماکن مقدسه این شهر تحت نظر مسلمانان باشد و شهرهای ساحلی در تصرف لاتینها بماند. ناصره و بیت لحم هم بامپراطور آلمان واگذار گردد و بقیه نقاط فلسطین کمافی السابق مال خود مسلمین باشد و قرار شد که شاه صقلیه با ملک کامل در مقابل دشمنانش با او همکاری کند.

فردر یک در کنیسه قیامت تاجگذاری نمود و سال بعد از بیت المقدس به صقلیه برگشت، شهر قدس خیلی در دست فردر یک نماند زیرا صالح ایوب پادشاه مصر از خوارزمیانی که از مقابل لشکر «چنگیزخان مغول» فرار کرده و به آن حدود رفته بودند، استفاده کرد و با صلیبیون جنگید و به کمک آنان «غزه» را تصرف کرد و قدس را از دست نصاری گرفت و دمشق را هم فتح نمود.

xalvat.com

مغول:

تاتار مغول بغداد را ویران کرده و بخلافت بنی العباس پایان دادند «هولاکوخان» حلب، حازم و حماه را با کمال وحشیگری و با خونریزی فراوان و ویران ساختن سپس «کتیفا» را از طرف خود بحکومت آنجا گماشت و بقصد تخریب سوریه حرکت نمود، پادشاه سوریه «الناصر ایوبی» را بقتل رسانید دمشق را هم تصرف کرد و با مرگ «الناصر» خاندان ایوبی منقرض شد.



در سال ۱۲۵۰ میلادی حکومت مصر از خاندان ایوبی به ممالیک^۱ منتقل شده بود و «قطز» مملوک سوم پادشاه مصر، فوراً برای مقابله با مغول سپاهی با استقبال آنان فرستاد در «عین جالوت» نزدیکی ناصره دو لشکر بهم رسیدند فرمانده سپاه مصر «الظاهر بیوس» جنگنده بسیار ماهری بود، این مرد لشکر مغول را منهزم کرد و کتبنا را بقتل رسانید و فراریان را هم تحت تعقیب قرار داد تا از بلاد فلسطین و سوریه بیرون رفتند و این منطقه را از شر آن وحشیان نجات داد (۱۲۶۰)

xalvat.com

همین «الظاهر» بجای «قطز» (ملک مظفر) نشست و مصر و سوریه را بار دیگر متحد ساخت و سپس با خیال راحت به بیرون کردن صلیبیون پرداخت، با آنها مبارزه کرد تا اینکه شهرهائی که در دست داشتند یکی پس از دیگری سقوط کرده و تسلیم شدند قلعه شوبک را از جنگ آنها درآورد و «کرک» را در سال ۱۲۶۳ تصرف نمود «قیساریه»، «صفد» و «یافا» را در سال ۱۲۶۸ فتح کرد و قبة الصخره را تجدید بنا نمود.

شهر عکا همچنان در دست صلیبیون بود تا این که صلاح الدین اشرف (مملوک نهم) در سال ۱۲۹۱ آنرا به محاصره کشید و بوسیله منجنیقها شهر را زیر باران سنگ گرفت و بالاخره آنرا فتح کرد و سپس صور و صیدا و طرسوس را از صلیبیون خالی ساخت و بدین ترتیب پرده بر روی آخرین منظره جنگهای همه جانبه میان شرق و غرب کشید.

۱. ممالیک بدگانی بودند که خاندان ایوبی آنها را خرابند و عده ای را در برجهای مصر و جمعی را در نیروی دریائی مصر بکار گماردند؛ آنها در اثر لیاقت و کاردانی، ترقی کردند و سرانجام حکومت مصر را به دست گرفتند و در سلسله مهم دربار یخ اسلام بنام «بصرین» (۱۲۵۰-۱۳۸۲) و «بصرین» (۱۳۸۲-۱۵۱۷) تشکیل دادند.



دوران عثمانیان:

سلطان سلیم عثمانی سوریه را گرفت و سپس عازم تصرف فلسطین شد، نزدیک اللجون با سپاه طومان بای سلطان مملوک مصر، برخورد کرد. مصریان را متفرق ساخت، به شهرهای فلسطین حمله برد همه را تصرف نمود و از آنجا به جانب مصر تاخت و پس از فتح مصر به مرکز حکومت عثمانی (آستانه) برگشت و بدین ترتیب فلسطین در حوزه حکومت عثمانی درآمد.

یکی از آثار مهم عثمانی ها در فلسطین دیواری است که سلیمان قانونی در سال ۱۵۴۲ بدور شهر بیت المقدس کشید و از حوادث مهم سیاسی دوران عثمانیان در فلسطین ظهور دو شخص ذیل را باید شمرد:

xalvat.com

الف: «ظاهرالعمر» شیخ صفد، در مقابل دولت عثمانی قد علم کرد، طبریه، نابلس و ناصره را هم گرفت و در سال ۱۷۵۰ شهر عکا را متصرف شد و آنرا مرکز خود ساخت و امتحکامات کافی برای آن درست نمود ولی به تعهدات مالی خود در مقابل دولت عثمانی همچنان عمل می کرد.

در این موقع میان «کاترین» امپراطور روس و دولت عثمانی جنگی پیش آمد، یکی از ممالیک مصر که فرصت را مناسب دید فوری لشکری تهیه کرد و به فرماندهی شخصی بنام «ابوالدهب» بطرف شامات اعزام نمود تا سوریه را از دولت عثمانی بگیرد ظاهرالعمر با



فرمانده این سپاه پیمان همکاری بستند و با کمک چند کشتی روسی در سال ۱۷۷۲ میلادی صور و صیدا را تصرف نمودند ولی دولت عثمانی بلافاصله با فرستادن قوای زمینی و دریائی حاکم شام را تقویت کرد و موفق شد که صور و صیدا را پس بگیرد و شهر عکا را در محاصره گرفت و سرانجام شهر را فتح کرد و ظاهرالعمر را بقتل رسانید.

xalvat.com

ب: احمد جزار، این شخص که بنده علی‌یک (یکی از ممالیک مصر) بود و در اثر اینکه جلادی قسی القلب بود به لقب جزار خوانده میشد از مصر بسوریه فرار کرد و در لشکری که شهر عکا را از ظاهر عمر پس گرفت شرکت نمود و در اثر امتحان خوبی که در این جنگ داد او را به مقام حکومت صیدا نصب کردند.

این مرد سپس حاکم عکا شد استحکامات شهر را خیلی خوب مرتب کرد و یک دسته کوچک کشتی تهیه نمود و مسجدی را که هم اکنون با اسم او مشهور است بنا کرد، سلطان عثمانی در سال ۱۸۷۰ او را حاکم دمشق نمود و تمام سوریه تحت قدرت او درآمد. جزار در مقابل حمله ناپلئون به عکا، سخت مقاومت کرد و او را از عکا برگرداند و از این رهگذر موفقیتی شایان و موقعیتی درخشان کسب نمود.

ناپلئون در فلسطین:

ناپلئون بعد از فتح مصر به قصد هندوستان حرکت کرد ناچار در بین راه بایستی فلسطین را هم فتح نماید، شهرهای عربش، فزه و



ورمله را گرفت، و در کنار شهر یافا مواجه با مقاومت شدید سربازان احمد جزار شد و شهر را به محاصره کشید قحطی و سختی های دیگر، مدافعان را مجبور کرد که تقاضای امان کردند و در دهم مارس ۱۷۹۹ میلادی با پذیرفتن ناپلئون تسلیم شدند، ولی ناپلئون عهد خود را شکست و چهار هزار نفر سربازی را که امان داده بود به قتل رسانید.

ناپلئون از آنجا بطرف عکا رفت و شهر را در محاصره گرفت احمد جزار خودش از طرف خشکی دفاع می کرد و ناوگان انگلیسی به فرماندهی «سرمانهی اسمیت» از طرف دریا در دفاع باو کمک می نمودند سربازان مدافع عکا که سرگذشت سربازان یافا و عهد شکنی و بیرحمی ناپلئون را شنیده بودند، فداکارانه و با کمال از خود گذشتگی از شهر دفاع میکردند و مبارزه مینمودند.

در اثناء ایام محاصره، ناپلئون قسمتی از سپاه خود را برای گرفتن ناصره و صفد فرستاد و آنها هم موفق شدند ولی محاصره عکا دو ماه طول کشید، قوای ناپلئون داخل خندقهای شهر شدند، نزدیک بود شهر را تصرف نمایند اما فداکاری سربازان مدافع، آنان را وادار به عقب نشینی کرد و سرانجام ناچار دست از محاصره کشیدند و مرض طاعون در لشکر او افتاد و خائب و خاسر به مصر مراجعت کردند.

xalvat.com

ابراهیم پاشا در فلسطین:

محمد علی پاشا پس از آنکه ممالیک مصر را قلع و قمع کرد، برای توسعه کشور خود لشکری به فرماندهی پسرش ابراهیم پاشا بسوی سوریه فرستاد، ابراهیم پاشا عریش و غزه و رمله را گرفت و از طریق



دریا وارد یافا شد و سپس نابلس و قدس را هم تصرف نمود و در سال ۱۸۳۱ عکا را هم به محاصره کشید، محاصره عکا مدتی ادامه داشت تا اینکه دمشق سقوط و لشکر عثمانی فرار کردند و سپس مقاومت عکا درهم شکست و این شهر هم بدست ابراهیم پاشا درآمد.

فتوحات ادامه داشت و ابراهیم پاشا مرتب پیش میرفت تا بتزکیه رسید و در شهر فونییه لشکر عثمانی را منهزم نمود.

روسیه و انگلیس و اطریش در سال ۱۸۴۰ میلادی از ترس اینکه یک امپراطوری قوی عربی تشکیل شود و جلو مطامع استعماری آنها را بگیرد او را مجبور به عقب گرد و مراجعت به مصر نمودند.

ابراهیم پاشا ده سال در فلسطین حکومت کرد، در این مدت با ملت با فشار، شدت و دیکتاتوری رفتار نمود، مالیاتهای جدید سنگینی بر مردم بست و قانون نظام اجباری را تحمیل کرد، این بد رفتاری، ملت را خشمگین ساخت در نابلس و الخلیل علیه او انقلاب برپا شد و دامنه این شورش و انقلاب به لبنان و اردن هم گسترش یافت.

ابراهیم قوای خود را مشغول آرام کردن مردم و سرکوب نمودن انقلاب و اصلاح وضع داخلی نمود، دولت عثمانی از این فرصت استفاده کرد و فلسطین را از او پس گرفت. xalvat.com

در دوران عثمانی، فلسطین پیشرفتی نکرد و همان بی نظمی و تزلزلی که در سایر مناطق حوزه حکومت عثمانی در اواخر بوجود آمده بود در فلسطین هم موجود بود، این وضع بلبشوی اجتماعی و روح عشائری مدت‌ها در منطقه حکومت عثمانی نفوذ داشت و حکومت می کرد، تا اینکه در سال ۱۹۰۸ میلادی حکومت مشروطه اعلان شد



و با اعلان مشروطه، تقاضای شدید مردم برای اصلاحات شدتش بیشتر شد و حکومت، قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی را وضع نمود و به مقتضای این قانون، دولت مرکزی اجازه تأسیس حکومتهای محلی ملی را صادر کرد.

با صرفنظر از قانون مشروطه و نحوه اجرای قوانین اصلاحی، فلسطین در دوران حکومت عثمانی هم وجهه عربی خود را از دست نداد و همچنان بصورت یک منطقه عربی خالص باقی ماند.

xalvat.com

خلاصه:

با توجه به تاریخچه فلسطین که از نظر خوانندگان محترم گذشت، کاملاً روشن میشود که امواج عربیت هم قبل از اسلام و هم بعد از اسلام، در فلسطین، پشت سر هم جریان داشته و مخصوصاً چهارده قرن بعد از فتح اسلامی، تا روزی که این منطقه بدست انگلستان افتاد، برای تحکیم و تثبیت عربی بودن این منطقه کاملاً کافی است، و این دوران طولانی عربیت فلسطین، بی اساسی خیالهای خام صهیونیستها را در مورد اینکه فلسطین از نظر تاریخی یک منطقه یهودی است، روشن کرده و بطلان ادعای حق تاریخی آنان را آشکار می کند.